

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا
سال بیست و سوم، دوره جدید، شماره ۲۰، پیاپی ۱۱۰، زمستان ۱۳۹۲

مطالعه‌ی جغرافیای تاریخی ماد، پیش از تشکیل پادشاهی و گسترش آن (۸۳۵ - ۶۷۲ ق.م)

کاظم ملازاده^۱
معصومه طاهری دهکردی^۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۲۷

تایخ تصویب: ۹۲/۹/۲۶

چکیده

مادی‌ها جایگاه مهمی در فرهنگ و تمدن ایرانی (به معنای اخص آن) دارند. در مورد تاریخ سیاسی، جغرافیای تاریخی و باستان‌شناسی این دوره، ابهامات اساسی وجود دارد و قلمرو، ایالت‌ها، مراکز حاکمیتی و ساختار اقتصادی، انسانی و اجتماعی آن‌ها به صورت علمی مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند. در این پژوهش با استفاده از منابع آشوری هم‌زمان، بازسازی جدیدی از جغرافیای تاریخی اقوام مادی پیش از تشکیل پادشاهی و گسترش آن (۸۳۵ -

^۱ استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان و نویسنده‌ی مسئول. mollazad@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا. m.dehkordi2010@yahoo.com

۶۷۲ ق.م) ارائه می‌کنیم. بر اساس نتایج به دست آمده، قلمرو این اقوام از غرب به منطقه‌ی کرمانشاه و شمال لرستان، از شمال غرب به بیجار تا میانه، از جنوب غرب به پارس، از جنوب و جنوب شرق به مناطق کویری، از شمال به رشته کوه البرز و از شرق به منطقه‌ی سمنان کشیده می‌شده است. در این قلمرو گسترده، واحدهای سیاسی و جغرافیایی مستقل بزرگ و کوچکی حضور داشتند؛ اما هیچ نوع ساختار سیاسی منسجم و سازماندهی شده‌ای در این تاریخ وجود نداشته است. مراکز مهم مادی این دوره ساگ‌بیت (در قرن هشتم و نهم ق.م) و کارکشی (در قرن هفتم ق.م) هستند که احتمال دارد با همگتانه‌ی دوره‌ی بعد مطابقت داشته باشند. معیشت اصلی اقوام مادی، دامداری و پرورش اسب و در رتبه‌ی بعدی کشاورزی و واسطه‌گری بوده است.

واژگان کلیدی: ماد، جغرافیای تاریخی، آشور.

۱. مقدمه

مادی‌ها با وجود فرصت اندک تاریخی، محدودیت منابع و مشکلات پیش روی شکل‌گیری دولت فراگیر و متمرکز، در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نقش بسیار موفق و ماندگاری ایفا کردند که فرهنگ و تمدن ایرانی مدیون تلاش‌های آن‌ها است. نقش ماد تنها در شکل‌گیری یک ساختار سیاسی و نظامی جدید خلاصه نمی‌شد و بسیار فراتر از آن، شامل شکل‌گیری ساختارهای مختلف و جدید فرهنگی، اجتماعی و مذهبی بود. هرچند در ارتباط با موارد اخیر مدارک قابل توجهی باقی نمانده است، تردید اندکی وجود دارد که زبان و فرهنگ ایرانی نخستین بار توسط اقوام ماد در ایران ظهور یافته است و بی‌شک مادی‌ها زمینه‌ی شکل‌گیری امپراتوری هخامنشی را فراهم کردند و در اداره‌ی آن امپراتوری نقش مهمی بر عهده گرفتند. همچنین با وجود شهرت طولانی مدت این

پادشاهی، مطالعات باستان‌شناسی و تاریخی جدید نه تنها جنبه‌های مختلف وجودی این دولت را آشکار نکرده‌اند، بلکه منشاء شکل‌گیری ابهامات اساسی در خصوص ساختار سیاسی، جغرافیای تاریخی، هنر و آثار منسوب به این دوره شدند که تاکنون پاسخ درخوری به آن‌ها داده نشده است. در بحث جغرافیای تاریخی، قلمرو، ایالت‌ها، مراکز حاکمیتی، ساختار اقتصادی و انسانی و ... به درستی مطالعه نشده است و نوشته‌ها و نظریه‌های ارائه شده تفاوت‌های آشکاری با یکدیگر دارند. در این پژوهش می‌کوشیم جغرافیای تاریخی اقوام مادی را در دوره‌ای که آن‌ها به صورت حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل زندگی می‌کردند، مطالعه کنیم و به بخشی از سؤال‌های مطرح شده پاسخ دهیم.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

اشارات مکرر متون یونانی، عبری و رومی به ماد موجب شده است که یاد و خاطره‌ی این دولت هیچگاه فراموش نشود و به عنوان یکی از دولت‌های بزرگ جهان باستان مطرح باشد (Rawlinson, 1871: 73) و پژوهش‌های تاریخی متعددی درباره‌ی آن صورت گیرد (عبدی، ۱۳۷۲: ۱۵-۱۶). بسیاری از این پژوهش‌ها به داده‌های منابع کلاسیک یونان، به ویژه تاریخ هرودت^۱ متکی هستند. در صد سال گذشته، با مطالعه‌ی منابع آشوری^۲ و بابلی دیدگاه‌های متفاوتی شکل گرفتند که به نتایج متناقضی منجر شده‌اند (Lanfranchi, Roaf and Rollinger, 2003: 397-405)؛ با این حال هنوز تصویر

۱. وردنبورگ در مورد تاریخ هرودوت بیان می‌کند: «تاریخچه‌ی ماد هرودوت یک دست‌پخت یونانی و از نوعی است که آنان ترجیح می‌داده‌اند. این گزارشی نیست که بتوان آن را معاصر با آنچه توصیف می‌کند دانست یا مورد استفاده قرار داد» (وردنبورگ، ۱۳۸۸: ۱۰۲).

۲. لوین در چند مقاله به مطالعه‌ی حضور آشوریان در غرب ایران و موقعیت جغرافیایی برخی ایالت‌ها در آن زمان می‌پردازد (Levine, 1972, 1973, 1974)؛ هرچند محل دقیق بسیاری از ایالت‌ها هنوز مشخص نشده است. ردنر نیز به اهمیت تجارت در دوره‌ی آشور جدید و حضور مؤثر آنان در منطقه و دیدگاه آشور به ماد اشاراتی می‌کند (Radner, 1999B, 2003). جولین رید در پژوهشی به مطالعه‌ی ایران در دوره‌ی آشور جدید پرداخته است (Read, 1995) و لیورانی هم به جغرافیایی تاریخی زاگرس در دوره‌ی آشور جدید و ظهور و سقوط مادها اشاراتی می‌کند (Liverani, 1995, 2003).

واقعی و مستندی از تاریخ سیاسی و جغرافیای تاریخی ماد شکل نگرفته است و تناقضات موجود به صورت علمی برطرف نشده‌اند.

۳. شیوه‌ی پژوهش

در این پژوهش همه‌ی منابع تاریخی دسته اول (بیشتر منابع آشوری که هم‌زمان با دوره‌ی مورد مطالعه هستند)، داده‌های باستان‌شناسی موجود در ارتباط با جغرافیای تاریخی ماد و جغرافیای تاریخی غرب ایران در دوره‌ی مورد بحث را مطالعه می‌کنیم و با تجزیه و تحلیل اطلاعات و نتایج فراهم شده و مطالعات میدانی، بازسازی جدیدی از جغرافیای تاریخی ماد را ارائه می‌دهیم.

۴. منابع دوره‌ی ماد

مهم‌ترین منابع تاریخ و باستان‌شناسی ماد، منابع آشوری، بابلی، عبری، یونانی، هخامنشی و داده‌های باستان‌شناسی و زبان‌شناسی هستند. در میان این منابع، تنها منابع آشوری اطلاعات قابل توجهی درباره‌ی جغرافیای تاریخی اقوام مادی قبل از شکل‌گیری پادشاهی ماد فراهم می‌کنند که با تلفیق آن‌ها با داده‌های باستان‌شناسی و زبان‌شناسی می‌توانیم بازسازی قابل قبولی از جغرافیای تاریخی ماد ارائه کنیم.

متون و کتیبه‌های آشوری بیشتر در قالب گزارش‌هایی هستند که آشوری‌ها در جریان لشکرکشی‌های خود به غرب ایران تهیه کرده‌اند و به صورت سالنامه، گزارش به خدایان، نقوش برجسته، بایگانی‌های دولتی و ... ثبت کرده‌اند (دیاکونوف، ۱۳۷۱: ۱۴-۱۵). تعدادی از این کتیبه‌ها به صورت صخره‌نوشته و استل، در غرب ایران یافت شده‌اند (Levine, 1972). این منابع هر چند برای بازسازی جغرافیای تاریخی، ساختارهای سیاسی و اقتصادی و مطالعات زبان‌شناسی اطلاعات بسیار ارزشمندی فراهم می‌کنند، تنها بخشی از اطلاعات و واقعیت‌های جامعه‌ی ماد را که در ارتباط با آشوری‌ها و مورد توجه آن‌ها بوده است، منعکس می‌کنند و بیشتر به مناطق غربی قلمرو ماد مربوط هستند و در خصوص مناطق شرقی‌تر اطلاعات ناچیزی ارائه می‌دهند.

۵. ماد در منابع آشوری

در متون آشوری، اولین بار در سال ۸۳۶ ق.م و در جریان لشکرکشی شالمنصر سوم (۸۲۴-۸۵۸ ق.م)، به مادها اشاره می‌شود. این تاریخ اولین برخورد ثبت شده‌ی آشوری‌ها با اقوام مادی است و مسلم است مادی‌ها قبل از این تاریخ نیز در منطقه حضور داشتند. در این گزارش آمده است که پادشاه آشور از غرب ایران و از طریق ایالت‌های پارسوا (Parsua)^۱ و مسی (Mesu/Messi)^۲ وارد ماد و ایالت‌های آرازیش (Araziash) و خارخار (Harhar) شد و شهرهای متعددی را فتح کرد (Luckenbill, 1926: 206).

گزارش لشکرکشی شمش‌ادد پنجم (۸۱۱-۸۲۳ ق.م) مربوط به سال ۸۲۰/۸۱۹ ق.م، با جزئیات بیشتری به مادی‌ها اشاره می‌کند. لشکریان آشور این بار از مسیر شمالی و احتمالاً از طریق گذرگاه مرزی منطقه‌ی پیرانشهر وارد منطقه شدند و با عبور از ایالت‌های خوبوشکیه (Hubuškia)^۳، مانا (Mannea)^۴ و گیزیل‌بوندا (Gizilbunda)^۵ وارد قلمرو ماد شدند. بر اساس این گزارش، مادی‌ها شهرهای خود را ترک کردند و به بالای کوه‌ها پناه بردند. در این جنگ ۲۳۰۰ نفر از جنگجویان هانا‌شیروکا (Hanaširuka) مادی کشته شدند، ۱۴۰ نفر از سوارکاران او به اسارات درآمدند، اموال و دارایی‌های زیادی غارت شد و ساگ‌بیت (Sagbita)، مقر حکومت هانا‌شیروکا و ۱۲۰۰ شهر دیگر او توسط آشوریان ویران شدند (Radner, 2003: 40-41). در این گزارش برای اولین بار به نام حاکم مادی و مقر حکومت او اشاره می‌شود. از مقر حکومت با اصطلاح «شهر شاهی» یاد شده است که به طور غیرمستقیم از آن، شاه یا شاهک بودن هانا‌شیروکا استنباط می‌شود (Ibid: 41).

۱. این ایالت در منطقه‌ای از شمال ماهیدشت تا منطقه‌ی سنندج و با مرکزیت شهر نیکور (روانسر امروزی) قرار داشت (ملازاده، ۱۳۸۳: ۱۵۱؛ Levine, 1374: 112).

۲. این ایالت که در این تاریخ به صورت ایالتی مستقل تصویر شده است، بعدها ایالت جنوب شرقی دولت مانا را شکل داد و محل تقریبی آن در منطقه‌ی شهرستان بیجار به سمت شهرستان تکاب جایابی می‌شود (ملازاده، ۱۳۸۳: ۱۷۳).

۳. این ایالت بر اساس مطالعات جدید، در منطقه‌ی پیرانشهر جایابی شده است (Reade, 1979: 178; Lanfranchi, 1995: 127-137).

۴. پادشاهی بزرگی در حوضه‌ی جنوبی و جنوب شرقی دریاچه‌ی ارومیه بود (Mollazadeh, 2004: 81-92).

۵. احتمالاً این ایالت در دره‌ی قزل‌اوزن، از منطقه‌ی بیجار به سمت شمالی، قرار داشت (ملازاده، ۱۳۸۳: ۱۵۶).

در منابع آشوری مربوط به سال‌های ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۹، ۸۰۰ و ۸۰۹ ق.م و دوره‌ی پادشاهی آذد نیراری سوم (۷۸۳-۸۱۰ ق.م)، فهرست‌وار به لشکرکشی علیه ماد اشاره شده است. از سال ۷۸۸ ق.م، به مدت ۲۰ سال منابع آشوری در مورد ماد سکوت می‌کنند تا اینکه در گزارش لشکرکشی سال ۷۶۶ ق.م آشوردان سوم (۷۵۵-۷۷۲ ق.م) بار دیگر به صورت مختصر به لشکرکشی علیه ماد اشاره می‌شود (Ibid: 43).

با به قدرت رسیدن تیگلات پیله‌سر سوم، آشور حضور قوی‌تری در منطقه یافت و اطلاعات ارائه شده نیز بیشتر شد. بر اساس منابع آشوری، تیگلات پیله‌سر سوم در سال ۷۴۴ و ۷۳۷ ق.م دو لشکرکشی به غرب ایران داشته است. در لشکرکشی سال ۷۴۴ ق.م، لشکریان آشور از طریق گذرگاه غرب ایران، علیه ایالت نامری (Namri)^۱ لشکرکشی کردند و از ایالت‌های مختلف، از جمله دولت الیپی (Ellipi)^۲، سانگی‌بوتی (بیت)، مادی‌ها و حاکم‌شهرهای مناطق شرقی خراج گرفتند (Radner, 2003: 44; Tadmor, 1994: 46-49).

گزارش لشکرکشی سال ۷۳۷ ق.م با جزئیات بیشتر و رخدادهای مهم‌تری همراه بوده و با تفاوت‌هایی در چند کتیبه‌ی این پادشاه ذکر شده است (Tadmor, 1994: 71-75). ظاهراً هدف این لشکرکشی ایالت ماد و ایالت‌های سرکش دیگر غرب ایران بوده است. در این گزارش‌ها به ایالت‌ها و شهرهای بسیاری اشاره شده که ظاهراً در گستره‌ای از مرزهای شرقی آشور تا مناطق مرکزی ایران پراکنده بودند و ساختارهای سیاسی مستقلی داشتند (Radner, 2003: Table 3). در این گزارش علاوه بر ایالت غربی ماد، به سرزمین‌های مادهای نیرومند (Tadmor, 1994: 75) اشاره شده است که در مناطق دورتر شرقی قرار داشتند. از اقدامات مهم تیگلات پیله‌سر سوم در جریان این لشکرکشی، تشکیل دو استان آشوری است. او برای این کار تعدادی از ایالت‌های مجاور پارسوا و بیت همبان را تصرف

۱. در دره‌ی دیاله‌ی عراق واقع شده است (Levine, 1973: 24).

۲. یکی از دولت‌های مهمی است که در این تاریخ در منطقه‌ی شمال لرستان استقرار داشت (Medvedskaia, 1999: 63; Levine, 1974: 106).

کرد و با الحاق آن‌ها به این دو ایالت، دو استان آشوری را تحت سرپرستی مستقیم حاکمان آشوری شکل داد (Ibid: 99). این سیاست در دوره‌ی سارگن دوم نیز با تشکیل دو استان دیگر پیگیری شد (Luckenbill, 1927: 5-6).

در دوره‌ی سارگن دوم (۷۰۵-۷۲۱ ق.م) اطلاعات ما از غرب و شمال غرب ایران بیشتر می‌شود. سارگن در سال ۷۱۶ ق.م برای اولین بار به قلمرو مادی‌ها وارد شد و با تصرف مناطقی، آن‌ها را به استان آشوری پارسوا الحاق کرد و سپس شهر مادی کیشه‌سیم را تصرف کرد و با تغییر نام آن به کار-نرگال (Kar-Nergal)، آن را مرکز استان جدید قرار داد که شامل مناطقی از بیت‌ساگ‌بَت (Bit-Sagbat) نیز می‌شد. سارگن بعد از آن، شهر خارخار را تصرف کرد و با تغییر نام آن به کار-شاروکین (Kar-šarrukin)، آن را مرکز دومین استان جدید آشوری قرار داد که شامل ارازشو/آرازیاش (Aranzešu/Araziaš) و بیت‌راماتوا (Bit-Ramatua) و مناطق دیگری می‌شد که قبل از این توسط حاکم شهرهای مستقل اداره می‌شدند. سارگن سپس لشکرکشی خود را به ایالت‌های دیگر مادی گسترش داد و از ۲۸ حاکم شهر «مادهای قدرتمند» خراج گرفت (Radner, 2003: 50).

سارگن در سال بعد (۷۱۵ ق.م) بار دیگر به ماد لشکر کشید و دلیل آن ظاهراً شورش مادی‌های استان جدید کار-شاروکین (خارخار سابق) بود. بر اساس گزارش این لشکرکشی، ۴۰۰۰ نفر از شورشیان کشته، ۴۸۲۰ نفر تبعید و تعدادی از شهرهای شورشیان با تغییر نام و بازسازی به قلعه‌های آشوری تبدیل شدند. دو مورد از قلعه‌های مزبور در نقوش برجسته اتاق II کاخ خورس آباد به تصویر کشیده شده‌اند (Radner, 2003: 51). در همین لشکرکشی، سارگن علیه مناطق شورش‌نا آمانا اقدام کرد و یکی از حاکمان سرزمین آمانا را که دَیَئوگو (Dayaukku) نام داشت، دستگیر و به همراه خانواده‌اش به حمات سوریه تبعید کرد. با توجه به تشابه نام این فرد با دیوکس هرودوت، پژوهشگران این دو را یکی پنداشته‌اند؛ اما تردید جدی در این مطابقت وجود دارد (عبدی، ۱۳۷۲: ۲۰).

سارگن در سال ۷۱۴ ق.م با هدف شکست اورارتو وارد غرب ایران شد و در مسیر خود از مادی‌های قدرتمند خراج گرفت. گزارش هشتم سارگن (۷۱۴ ق.م)، یکی از کامل‌ترین

و مهم‌ترین گزارش‌های آشوری است که اطلاعات زیادی درباره‌ی غرب و شمال غرب ایران ارائه می‌کند (مایر، ۱۳۸۸؛ Luckenbill, 1927: 73-99).

سارگن دوم در سال بعد (۷۱۳ ق.م) نیز به منطقه لشکرکشی کرد و از طریق ایالت الیپی وارد قلمرو اقوام مادی شد که اسامی آن‌ها نخستین بار ذکر می‌شود (Frame, 1999: 31-57). گزارش سارگن در شرق به «عرب‌های شرق» و «مادی‌هایی که در بیابان و کوه‌ها مانند دزدان سرگردان بودند» اشاره می‌کند. این توصیف و تلقی، ظاهراً به نوع ساختار معیشتی این دسته از اقوام مادی و چادرنشین بودن آن‌ها اشاره دارد (Radner, 2003: 55). دیاکونف «آریبی شرق» یا «عرب‌های شرق» را با صحرانشین‌های ایرانی مطابقت داده است و توضیح می‌دهد که اگر پسوند «بی» را به صورت «په» بخوانیم، «آری‌په» به معنای آریایی‌ها خواهد بود (دیاکونف، ۱۳۷۱: ۲۰۶). در دوره‌ی سناخریب و سال ۷۰۲ ق.م به دریافت خراج از مادی‌های دوردست اشاره می‌شود (Luckenbill, 1927: 117-118).

از دوره‌ی آسارحدون (۶۶۹-۶۸۰ ق.م) مدارک قابل توجهی در ارتباط با مادها و در کل رویدادهای مهم منطقه بر جای مانده است. در حدود سال ۶۷۶ ق.م، ۳ حاکم شهر از مادی‌های دوردست که به ادعای متن آشوری تا آن زمان تحت تسلط آشوری‌ها درنیامده بودند، به همراه هدایایی شامل اسب و لاجورد، به پایتخت آشور در نینوا آمدند و علیه حاکم شهرهای رقیب خود، از پادشاه آشور کمک خواستند (Radner, 2003: 58). ظاهراً پادشاه آشور با این تقاضا موافقت کرد و لشکری را به مناطق مرکزی ایران فرستاد (دیاکونف، ۱۳۷۱: ۲۴۳). یکی از رخدادها مهم دوره‌ی سلطنت آسارحدون که در سرنوشت ماد تأثیر بسیاری داشت، اتحاد اقوام مختلف غرب و شمال غرب ایران (سکایی‌ها، مانایی‌ها و مادی‌ها) بود که هرچند در ظاهر به طور کامل موفق نبود، موفقیت‌های قابل توجهی را در پی داشت و تسلط آشور بر غرب ایران را تا حدود زیادی از بین برد. رهبر مادی‌ها در این زمان کشتاریتو (Kaštaritu)^۱، حاکم شهر کار-گَرشی بوده که در متون پیشگویی آشوری (مربوط به سال‌های ۶۷۴ تا ۶۷۲ ق.م) در ارتباط با مادی‌ها،

۱. احتمال دارد این شخص همان فرورتیش یا خَشْتَریته باشد.

بسیار به او اشاره می‌شود (همان: ۲۴۷-۲۵۳). قیام به احتمال زیاد در سال ۶۷۳ ق.م شروع شد و رهبر اصلی آن، ظاهراً کشتربتو یا خشتربته بود و دو مادی دیگر به نام‌های مامی تارشو (Mamitaršu)، حاکم ایالت مادای و دوساننی (Dusanni)، حاکم ایالت ساپاردا (Saparda) او را در این قیام همراهی می‌کردند.

از دوره‌ی آشوربانیپال (۶۶۹ تا حدود ۶۲۷-۶۳۰ ق.م) تنها و آخرین اشاره به مادی‌ها مربوط به حدود سال ۶۵۶ ق.م است: «در همان زمان بیریشاتری (Birishatri) یک حاکم مادی (همچنین) شاراتی (Sharati) (و) پارخییا (Parihia) پسران گاگی (Gagi)، حاکمان سرزمین ساخی (Sahi) که یوغ اطاعت مرا دور افکنده بودند، ۷۵ شهر مستحکم آن‌ها را تصرف کردم و اموال آن‌ها را به غارت بردم. با دست خود آنان را زنده دستگیر کردم (و) به نینوا، پایتخت خود آوردم» (Luckenbill, 1927: 328).

۶. قلمرو ماد

شناخت جغرافیای تاریخی ماد می‌تواند زمینه‌ی بهتری برای مطالعه‌ی تاریخی، سیاسی و باستان‌شناسی این دوره فراهم آورد. در این بخش با تکیه بر متون آشوری و داده‌های باستان‌شناسی به بازسازی قلمرو، مراکز حاکمیتی و ساختارهای اقتصادی و انسانی اقوام مادی می‌پردازیم. در منابع مختلف تاریخی و باستان‌شناسی ماد، قلمرویی برای ماد فرض شده که مبنای آن بیشتر منابع یونانی است؛ درحالی‌که به طور قطع قلمرو اقوام ماد قبل از تشکیل پادشاهی بسیار متفاوت با قلمرویی بوده است که مادی‌ها بعد از تشکیل پادشاهی و گسترش آن به دست آوردند؛ حقیقتی که کمتر به آن پرداخته شده است.

۱-۶. قلمرو اقوام ماد، قبل از تشکیل پادشاهی و گسترش آن

با توجه به منابع آشوری و شواهد باستان‌شناسی، قلمرو اقوام مادی در این دوره از منطقه‌ی کنگاور و همدان، به طرف مناطق مرکزی ایران کشیده می‌شد. هرچند برای مشخص کردن این قلمرو، اطلاعات تاریخی روشنگری وجود ندارد، شواهد و مدارکی وجود دارد که بر اساس آن‌ها می‌توان مرزهای اصلی این قلمرو را مشخص کرد. بر اساس منابع

آشوری، اقوام ماد در این دوره با پادشاهی‌های مانا و الیبی، ایالت‌های گیزیل‌بوندا و پارسوا مرز مشترک داشتند. حدود کلی قلمرو این مناطق شناخته شده است. قلمرو پادشاهی مانا و ایالت‌های مرتبط با آن، از دریاچه‌ی ارومیه در شمال تا منطقه‌ی بیجار در جنوب و از رشته‌کوه‌های مرزی ایران و عراق در غرب تا ارتفاعات غربی دره‌ی زنجان و منطقه‌ی میانه در شرق کشیده می‌شد (ملازاده، ۱۳۸۸: ۵۰-۴۹). بر اساس منابع آشوری مادی‌ها با ایالت مانایی مسی که در جنوب غربی این پادشاهی (منطقه‌ی تکاب و بیجار) قرار داشت مرز مشترک داشتند (Luckenbill, 1926: 206)؛ بنابراین می‌توانیم مرزهای ماد را در این بخش تا منطقه‌ی بیجار تصور کنیم. مادی‌ها در شرق این منطقه و در طول کانال ارتباطی قزوین - زنجان بودند.

قلمرو اقوام مادی از غرب با ایالت نسبتاً بزرگ پارسوا مرز مشترک داشته است. در منابع آشوری، بارها به ایالت پارسوا^۱ که عناصر غیرایرانی در آن استقرار داشتند، اشاره شده و موقعیت آن تا حدود زیادی مشخص شده است (ملازاده، ۱۳۹۱: ۱۱۰-۱۱۱). بر اساس اطلاعات موجود، مرکز این ایالت در منطقه‌ی روانسر قرار داشت و قلمرو آن از مناطق شمالی ماهیدشت تا منطقه‌ی سنندج کشیده می‌شد (همان: ۱۱۱). بر این اساس می‌توانیم مرزهای غربی ماد را تا حدودی با مرزهای کنونی استان همدان با استان‌های کرمانشاه و کردستان مطابقت دهیم.

مادی‌ها از طرف دیگر با پادشاهی الیبی مرز مشترک داشتند. الیبی بعد از مانا، مهم‌ترین پادشاهی منطقه بوده که بارها در متون آشوری به آن اشاره شده است (Medvedskaya, 1999: 53-70; Levine, 1374: 104-106). با توجه به شواهد و مدارک موجود، می‌توانیم این پادشاهی را در منطقه‌ی شمال لرستان جایابی کنیم (Medvedskaya, 1999: 63; Levine, 1374: 106) و مرزهای ماد را تا این منطقه گسترش دهیم. اقوام مادی در غرب با ایالت بیت‌همبان که در منطقه‌ی کرمانشاه جایابی

۱. در مورد این ایالت و ارتباط آن با پارسی‌ها، نک: ملازاده، ۱۳۹۱: ۱۰۷-۱۲۴؛ ایمان‌پور، ۱۳۸۲: ۵۳-۶۷؛ ایمان‌پور،

می‌شود (Reade, 1995: fig.5)، مرز مشترک داشتند. محوطه‌ی مادی گودین تپه در منطقه‌ی کنگاور و نوشیجان تپه در منطقه‌ی ملایر قلمرو غربی اقوام ماد را مشخص می‌کنند. مدارک و شواهدی برای تعیین مرزهای شمالی ماد وجود ندارد؛ اما از آنجا که رشته کوه البرز همیشه به عنوان یک مرز طبیعی و فرهنگی عمل کرده است، شاید در این دوره نیز مرزهای شمالی ماد را مشخص می‌کرد (احتمال نفوذ اقوام مادی به مناطق شمالی را نیز باید در نظر داشت).

به نظر می‌رسد قلمرو مادی‌ها در جانب جنوب غربی، به استان‌های امروزی فارس و احتمالاً یزد که توسط اقوام پارسی اشغال شده بود، محدود می‌شد. اشاره‌ی هرودوت به تسلطی که مادها بر پارس داشتند و نبردهای پادشاهی ماد با کوروش که در حدود سال ۵۵۰ ق.م صورت گرفت و در متون بابلی نیز به آن اشاره شده است (Cogan, 2008: 211)، دلیلی برای این همجواری است.

مرزهای شرقی ماد چندان مشخص نیستند. مناطق مرکزی ایران (منطقه‌ی تهران، قم و ...) با توجه به داده‌های باستان‌شناسی (محوطه‌های ازبکی (مجیدزاده، ۱۳۸۵)، شمشیرگاه (فهیمی، ۱۳۸۲)، زار بلاغ (ملکزاده، ۱۳۸۲) و سیلیک (گیرشمن، ۱۳۸۹)) و گواهی منابع آشوری و این حقیقت که ری از مراکز مهم مادی بوده است، در داخل قلمرو مادی‌ها قرار داشته‌اند. در مورد گسترش شرقی قلمرو ماد، اشاراتی در متون آشوری وجود دارد. در کتیبه‌های تیگلات پیله سر سوم (۲۷-۷۴۴ ق.م) به آن دسته از اقوام مادی که در کناره‌ی کوه بیکنی بودند و مادی‌های قدرتمندی که در شرق دور و کناره‌ی بیابان نمک استقرار داشتند، اشاره شده است. آسارحدون، پادشاه دیگر آشوری در حدود سال ۶۷۳ ق.م به ماد حمله کرد و ظاهراً پیشروی زیادی در شرق کرد. وی در گزارش خود به مادی‌هایی که در دوردست قرار داشتند و پاتوشارا، ناحیه‌ای در مجاورت بیابان نمک، مادی‌های کنار کوه بیکنی، از کوهستان لاجورد، اشاره می‌کند. کوه بیکنی به صورت سنتی با کوه دماوند و بیابان نمکزار با دشت کویر مطابقت داده شده است (دیاکونف، ۱۳۷۱: ۱۸۶، ۲۰۰ و ۲۴۳). اطلاق کوهستان لاجورد به کوه‌های این منطقه به دلیل وجود معادن سنگ لاجورد در این منطقه نیست؛ بلکه به نظر می‌رسد قرار داشتن این منطقه در کنار مسیر مهم تجاری که از

طریق آن سنگ لاجورد به بین‌النهرین وارد می‌شد، دلیل این نامگذاری است. لوئیس لوین کوه بیکنی را با کوه الوند در همدان مطابقت داده است (Levine, 1974: 118-119). این مطابقت، قلمرو اقوام مادی را بسیار محدود می‌کند که با مدارک و شواهد موجود همخوانی ندارد. از طرف دیگر کوه الوند با توصیف متون آشور مطابقت نمی‌یابد. کوه بیکنی بر اساس اشارات صورت گرفته، بسیار مرتفع و منفرد بود و از مسافت‌های بسیار دور خودنمایی می‌کرد و در یک جا آن را در دورترین نقطه‌ی شرقی، یعنی محل برآمدن خورشید قرار داده‌اند (Luckenbill, 1927: 283). در صورت شرایط مساعد جوی، کوه دماوند با شکوه خاصی از مسافت‌های دور قابل مشاهده است؛ درحالی‌که کوه الوند مشتمل بر رشته‌کوهی است که در میان آن قله‌ی الوند تشخیص چندانی ندارد و نمی‌تواند موضوع توصیف آشوری‌ها قرار بگیرد. دلیل سوم رد نظریه‌ی لوین، نزدیکی کوه بیکنی با بیابان نمکزار است. این وضعیت در مورد کوه دماوند قابل توجیه است؛ اما در مورد الوند پذیرفتنی نیست. نظریه‌ی لوین بیشتر متکی بر این پیش‌زمینه‌ی ذهنی است که آشوری‌ها نمی‌توانستند تا مناطق مرکزی ایران نفوذ کرده باشند (Levine, 1974: 119)؛ درحالی‌که از یک طرف توان نظامی فوق‌العاده‌ی آشور در مقاطع مختلف تاریخی آن تأیید شده و از طرف دیگر این نکته مشخص شده است که اشاره‌ی گزارش‌های آشوری به لشکرکشی‌ها، به معنی لشکرکشی‌های گسترده و شاهانه نیست و می‌توانست شامل اعزام گروه‌های شناسایی یا دسته‌های جمع‌آوری خراج و هدایا شود.

گسترش شرقی تر قلمرو ماد مشخص نیست. با توجه به شواهد موجود، به نظر می‌رسد اقوام ماد در طول جاده‌ی بزرگ خراسان حداقل تا منطقه‌ی سمنان و دامغان گسترش یافته بودند. در مناطق جنوبی‌تر، بیابان‌های مرکزی مرز طبیعی قلمرو اقوام مادی را شکل می‌دادند.

بر اساس مطالب مطرح شده، قلمرو ماد قبل از تشکیل پادشاهی و گسترش آن، از شمال به رشته‌کوه البرز، از شمال غرب به حدود بیجار تا میانه، از غرب تا منطقه‌ی کرمانشاه و شمال لرستان، از جنوب غرب تا منطقه‌ی یزد و فارس، از جنوب و جنوب شرقی به کویرهای مرکزی و از شمال شرق حداقل تا منطقه‌ی دامغان می‌رسید (شکل ۱).



شکل ۱: قلمرو اقوام ماد و همسایگان آنها پیش از تشکیل پادشاهی و گسترش آن (ملازاده)

قلمرو بازسازی شده از ساختار سیاسی واحدی برخوردار نبود و شامل واحدهای سیاسی و قومی پراکنده یا ایالت‌های متعدد می‌شد. این وضعیت حداقل تا آغاز قرن هفتم ق.م ادامه داشت و تنها در اوایل این قرن کم‌کم تعدادی از ایالت‌های مادی متحد شدند و شالوده‌ی دولت بعدی ماد را شکل دادند.^۱ متأسفانه جایابی بسیاری از ایالت‌های ذکر شده به دلیل فقدان مدارک مستند و کافی امکان‌پذیر نیست؛ مگر موارد اندکی که در غرب ایران و مجاور قلمرو آشور قرار داشتند. از غرب ایران هرچه به طرف شرق می‌رویم، بر ابهامات موجود در خصوص جغرافیای تاریخی ماد افزوده می‌شود. معمولاً اشاره‌های متون آشوری جزئیاتی ندارند که بر اساس آن‌ها بتوانیم جای ایالت‌های یاد شده در این گزارش‌ها را بیابیم. در غرب ایران سه کتیبه یا سنگ‌نوشته‌ی آشوری به دست آمده است (Frame, 1999: 31-57; Levine, 1972) که می‌توانستند زمینه‌ی مناسبی برای بازسازی جغرافیای تاریخی غرب ایران و جایابی ایالت‌های مادی فراهم کنند که مخدوش‌شدگی آن‌ها و ناقص بودن اطلاعات ارائه شده مانع این بازسازی است.

۲-۶. مراکز حاکمیتی

قدیمی‌ترین اشاره به نام هگمتانه مربوط به متون بابلی و در حدود سال ۵۵۰ ق.م است (Cogan, 2008: 211) که اولین اشاره‌ی تاریخی به تصرف آن به دست کوروش

۱. در مورد ساختار سیاسی دولت بعدی ماد بحث و ابهامات زیادی وجود دارد. وردنبورگ در دو مقاله‌ی خود (۱۳۸۸، ۱۹۹۴) ساختار امپراتوری ماد را زیر سؤال می‌برد. او بیان می‌کند: استدلال دارم اگر مدارک مربوط به وجود امپراتوری ماد را با تعریف انسان‌شناختی بسنجیم، این مدارک هیچ‌یک از جنبه‌هایی را ندارد که انتظار داریم با یک الگوی انسان‌شناختی سازگار باشد (وردنبورگ، ۱۳۸۸: ۷۷). او در جای دیگر اشاره می‌کند: اگر در مورد وضع سرزمین ماد در سده‌ی ششم از واژه‌هایی نظیر «دولت» یا «امپراتوری» استفاده می‌کنیم، باید به وجود چنین ساختاری مطمئن و معترف باشیم (همان: ۸۰). وردنبورگ همچنین می‌نویسد: نه یک دولت ماد با قلمرو خاص وجود داشته و نه یک امپراتوری (ماسکارلا، ۱۳۸۸: ۱۰۸). او از فقدان منابع تاریخی برای انکار وجود دولت شکوفا، پررونق و ثروتمند ماد بهره گرفته است (همان: ۱۰۹). کورت نیز معتقد است با فروپاشی آشوریان در قرن هفتم ق.م مادها نیز به پایان رسیدند. از این لحاظ مادها هرگز از حد کنفدراسیون سست قبیله‌ای فراتر نرفتند؛ چون انگیزه‌های اساسی و منابع سازمان‌یافته‌ی امپراتوری‌های بزرگ را نداشتند (کورت، ۱۳۸۶: ۳۴).

هخامنشی نیز محسوب می‌شود و مسلم است که این شهر قبل از این تاریخ نیز وجود داشته است. بر اساس نوشته‌ی هرودوت، شهر هگمتانه در حدود اواخر قرن هشتم ق.م توسط دیوکس، مؤسس پادشاهی ماد بنیان نهاده شده است (Panaino, 2003: 329). متأسفانه در متون آشوری اشاره‌ای به نام هگمتانه نشده است و به نظر می‌رسد که بعد از گسترش قدرت ماد (در اواسط قرن هفتم ق.م) و خروج آشوری‌ها از منطقه، این نام به تختگاه ماد داده شده است. در متون آشوری به دو شهر مهم مادی در غرب ایران اشاره شده است که احتمال دارد یکی از آن‌ها همان هگمتانه‌ی سال‌های بعد باشد (ملازاده، ۱۳۹۰: ۶). یکی از این مراکز، ساگ‌بیت (Sagbita) است که اولین بار در حدود سال ۸۲۰ ق.م به آن اشاره می‌شود و تا صد سال بعد نیز همچنان به عنوان یکی از مراکز مادی باقی می‌ماند. در گزارش لشکرکشی شمش‌ادد پنجم (مربوط به حدود سال ۸۲۰ ق.م)، به یک حاکم مادی به نام هانشیروکا (Hanaširuka) و مرکز حکومت او، ساگ‌بیت اشاره شده است (Radner, 2003: 40-41; Luckenbill, 1926: 257). در متون آشوری برای اولین بار است که به نام یک حاکم مادی و مقر حکومت او اشاره می‌شود. در این کتیبه از این شهر با اصطلاح «شهر شاهی» (Royal city) و به زبان آشوری (āl-šarrūti) یاد شده است که نشان‌دهنده‌ی اهمیت آن است و این ظاهراً تنها موردی است که در منابع آشوری یک مرکز مادی، «شهر شاهی» خوانده می‌شود (Ikeda, 1979: 87). در یک نامه‌ی آشوری که احتمالاً مربوط به سال‌های پایانی تیگلات پیله‌سر سوم (۷۲۷-۷۴۴ ق.م) است، به تبعید یکی از بزرگان یهود به ساگ‌بیت اشاره شده است (Galil, 2002: 71-79). در کتیبه‌ی دیگر این پادشاه، به فتح سرزمین مادی‌های نیرومند و اسکان مردمانی از نقاط دیگر، اشاره شده است (Tadmor, 1994: 166-167). با توجه به کتیبه‌های یاد شده و سابقه‌ی طولانی حضور یهودیان در منطقه‌ی همدان، می‌توانیم ساگ‌بیت را با هگمتانه‌ی دوره‌ی بعد مطابقت دهیم. پارپولا و پورتر نیز در اطلس خود جایابی مشابهی انجام داده‌اند (Parpola and Porter, 2001: 7, map.11).

مرکز مهم دیگر مادی، کار-کاشی (Kar-Kašši)، مقر حکومت کشتریته (خشثریته) بود که در منابع آشوری به آن اشاره شده است (Wiseman, 1958: 13). کشتریته رهبر

قیام مادی‌ها علیه آشور در سال‌های ۶۷۴ تا ۶۷۲ ق.م بود و بنابراین، همان‌گونه که ملکزاده احتمال داده است (ملکزاده، ۱۳۷۴: ۹۴)، امکان دارد مرکز حکومت او با هگمتانه‌ی دوره‌ی بعد مطابقت داشته باشد. البته شواهد موجود (استفاده از اصطلاح شهر شاهی در ارتباط با ساگ‌بیت مادی، قدمت بیشتر آن، تبعید یهودیان به این شهر و ...) مطابقت ساگ‌بیت با همدان را تأیید می‌کنند؛ هرچند این امکان نیز وجود دارد که ساگ‌بیت قرن هشتم ق.م، همان کار- کَرشَی قرن هفتم ق.م و آن نیز هگمتانه‌ی قرن ششم ق.م باشد. همچنین احتمال دارد مادی‌ها در اواسط یا اواخر قرن هفتم ق.م و بعد از تسلط بر مناطق غربی ایران، شهر هگمتانه را که از موقعیت استراتژیکی در مسیر ارتباطی بین‌النهرین برخوردار بوده است، به عنوان پایتخت انتخاب کرده باشند (ملزاده، ۱۳۹۰: ۶).

۳-۶. ساختار اجتماعی ماد

بر اساس مدارک موجود، مادی‌ها به قبایل و ایالت‌های مختلفی تقسیم می‌شدند که هر یک از این ایالت‌ها در یک منطقه‌ی جغرافیایی مستقر می‌شدند و یک واحد سیاسی را شکل می‌دادند. متون آشوری بارها به این قبایل و حاکمیت‌های مستقل آن‌ها اشاره می‌کنند. تعدادی از این قبایل با توجه به وابستگی‌های قومی و قبیله‌ای و احتمالاً برای مقابله با تجاوزات آشور یا کسب قدرت منطقه‌ای، در قالب اتحادیه‌هایی شکل گرفته بودند و تعدادی دیگر مستقل بودند. در متون آشور به نام ایالت‌ها و دولت‌های مستقل مادی بسیاری اشاره شده است. هرودوت نیز در کتاب خود مادی‌ها را به شش قبیله تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از: بوسیان، پارتاکنیان، استروختیان، آریزانتیان، بودیان و مغ‌ها. از میان این نام‌ها پارتاکنیان که در ناحیه‌ی اصفهان امروزی و جهت شرقی آن زندگی می‌کردند، ریشه‌ی ایرانی دارند و از میان اسامی دیگر فقط نام آریزانتیان اشتقاق روشن از ریشه‌ی ایرانی دارد و ظاهراً به معنی «قبیله‌ی آریایی‌ها» است (دیاکونف، ۱۳۷۱: ۱۴۲).

بر اساس شواهد موجود، جامعه‌ی ماد حداقل در مراحل اولیه، ساختاری قبیله‌ای داشت و هر قبیله از تیره‌ها و هر تیره از خاندان‌های مختلفی تشکیل می‌شد که با یکدیگر رابطه‌ی فAMILI داشتند. چنین ساختاری توسط هرودوت برای پارسیان نیز ذکر شده است (بریان،

۱۳۸۵: ۲۹). طبقات اجتماعی در میان این جامعه چندان شکل نگرفته بودند و تنها طبقه‌ی متشخص آن، رؤسای قبایل بودند.

۴-۶. ساختارهای اقتصادی

در منابع جزئیات اندکی درباره ساختار اقتصادی اقوام ماد آمده است. غارت، خراج و هدایای دریافتی آشور از مادی‌ها، تقریباً همیشه به صورت دام بود؛ بنابراین به نظر می‌رسد معیشت اصلی مادی‌ها در این دوره‌ی تاریخی، دامداری و کوچروی بوده است. تعداد محدود محوطه‌های استقرار به دست آمده از این دوره شاید نتیجه‌ی این نوع معیشت باشد. با توجه به داده‌های باستان‌شناسی و تاریخی، درصد قابل توجهی از مادی‌ها نیز ساکن بودند و به کشت و زرع می‌پرداختند. همچنین مادی‌ها در طول مهم‌ترین راه‌های ارتباطی قرار داشتند. از دوره‌ی پیش از تاریخ به بعد، این راه‌ها (به‌ویژه جاده‌ی بزرگ خراسان)، برای مبادلات مورد استفاده قرار می‌گرفتند و استقرارهای طول مسیر در این زمینه فعال بودند؛ بنابراین طبیعی است که مادها حداقل به عنوان واسطه‌ی انتقال کالاهای شرق به بین‌النهرین عمل می‌کردند و منافع اقتصادی مناسبی نیز به دست می‌آوردند. شاید محوطه‌ها و حاکم‌نشین‌های گودین، باباجان و ازبکی در کنار راه‌های مهم، به دلیل تجارت با آشور شکل گرفته باشند. قلمرو ماد در کنار نقش واسطه‌ای که در ارتباط با تولیدات و منابع آسیای میانه داشت، از مناطق مهم کشاورزی و دامداری، به‌ویژه پرورش اسب بود و معادن مهم آهن، مس، قلع، سرب، سنگ‌های ساختمانی و ... در آن وجود داشت.

۴-۶. جغرافیای انسانی

مدارک و شواهد زبان‌شناسی و متون آشوری نشان‌دهنده‌ی حضور عناصر مختلف زبانی و نژادی در منطقه است که به صورت تقریباً مجزا استقرار پیدا کرده بودند. مهم‌ترین منبع برای بازسازی زبانی و قومی منطقه، مدارک زبان‌شناسی است. ران زادوک اطلاعات ارزشمندی ارائه می‌کند. در منابع تاریخی حد فاصل ۱۰۰۰ تا ۶۰۰ ق.م، حدود ۲۱۸ اسم شخص در منطقه‌ی شمال‌غرب و غرب ایران شناسایی شده است. تجزیه و تحلیل اسامی یاد

شده نشان می‌دهد که عناصر ایرانی در ماد بزرگ بیشتر هستند (حداکثر ۴۵/۳۷ و حداقل ۳۲/۳۶ درصد). در این منطقه بعد از عناصر ایرانی، عناصر کاسی (حداکثر ۷/۲۲ و حداقل ۵/۳۱ درصد) و بعد از آن‌ها عناصر هوری (با حداکثر ۶/۷۴ و حداقل ۰/۹۶ درصد) حضور داشتند (Zadok, 2002: 112-113). ارتباط میان درصد اسامی اشخاص با اسامی جای‌ها در هر منطقه نیز قابل توجه است. نام‌جای‌های ایرانی در ماد بزرگ، بیشتر است (در ماد شرقی ۵۴/۵۴ تا ۲۷/۲۷ درصد، ماد مرکزی یا داخلی ۳۲/۲۸ تا ۱۲ درصد، ماد غربی ۱۸/۷۴ تا ۱۴/۵۸ درصد و پارسوا ۱۰/۴۱ تا ۴/۱۶ درصد) و در این مناطق، نام‌های کاسی در مرتبه‌ی بعدی قرار می‌گیرند. در منطقه‌ی گیزیل‌بوندا و نواحی مجاور آن نام‌جای‌های کاسی بیشتر است (۱۶ تا ۴ درصد). نام‌جای‌های هوری-اورارتویی، در مانا و شمال‌غرب ماد بیشتر است (به ترتیب ۱۰/۹۵ تا ۲/۴۳ و ۲۲/۶۳ تا ۳-۷۷ درصد). در مناطق اخیر، نام‌جای‌های ایرانی در رتبه‌ی بعدی قرار می‌گیرند. نام‌جای‌ها در زاموا (منطقه‌ی سلیمانیه‌ی عراق) فقط کاسی و هوری هستند؛ در حالی که بعد از سقوط آشور و گسترش ماد، شاهد حضور مادی‌ها در این مناطق هستیم (Ibid: 112-113). زادوک نتیجه می‌گیرد که در دوره‌ی مورد بحث و در گستره‌ی شمال‌غرب ایران، شرق ترکیه، کردستان عراق تا شمال سوریه، عناصر هوری‌زبان بیشتر بودند و در شمال‌غرب و کردستان عراق، عناصر کاسی در رتبه بعدی قرار داشتند. در مناطق غربی‌تر و لرستان عناصر کاسی و به تدریج به طرف مناطق شرقی، عناصر ایرانی غالب می‌شدند. مدارک زبان‌شناسی نشان‌دهنده‌ی نفوذ تدریجی اقوام ایرانی، از بخش‌های شرقی به جانب شمال‌غرب و غرب ایران است. زادوک این گسترش را روند ایرانی شدن منطقه، به‌ویژه ناحیه‌ای که بعدها به ماد بزرگ شهرت یافت، توصیف می‌کند (Ibid).

۷. نتیجه‌گیری

جغرافیای تاریخی ماد با ابهامات بسیاری همراه است که بخش مهمی از آن به دلیل فقدان مدارک مکتوب از خود مادی‌ها است و بخش دیگر به دلیل حجم اندک اطلاعاتی است که همسایگان صاحب نگارش آن‌ها ارائه داده‌اند. بر اساس اطلاعات موجود، جغرافیای

تاریخی ماد را باید در قالب دو دوره متمایز، پیش و پس از تشکیل پادشاهی ماد و گسترش آن مطالعه کنیم. این پژوهش به دوره نخست اختصاص یافت و در مقاله‌ی دیگری دوره دوم را مطالعه خواهیم کرد. تقریباً همه‌ی اطلاعات جغرافیای تاریخی دوره نخست از طریق منابع آشوری به دست آمده‌اند و با داده‌های باستان‌شناسی و زبان‌شناسی همراه می‌شوند. بازسازی ارائه شده نشان داد که اقوام مادی در حدود اوایل هزاره‌ی اول ق.م در فلات مرکزی و مناطق غربی ایران و مجاور پادشاهی‌های مانا و الپیی و ایالت‌های پارسوا، گیزیل‌بوندا، بیت‌همبان و پارس، مستقر شدند. با توجه به موقعیت نسبی دولت‌ها و ایالت‌های مذکور، مرزهای غربی، شمال غربی و جنوب غربی قلمرو اقوام مادی مشخص شدند؛ قلمرو ماد از غرب به منطقه‌ی کرمانشاه و شمال لرستان، از جنوب غرب به پارس دوره‌ی بعد، از شمال غرب به منطقه‌ی بیجار تا میانه، از شمال به رشته‌کوه البرز و از جنوب و جنوب شرقی به مناطق کویری منتهی می‌شد. به نظر می‌رسد مرزهای شرقی حداقل تا استان امروزی سمنان گسترش یافته بودند. این قلمرو به واحدهای سیاسی و جغرافیایی مستقل بزرگ و کوچک تقسیم شده بود و ساختار سیاسی منسجم و سازماندهی شده نداشت. هریک از این واحدها حاکم‌نشینی داشتند؛ اما مهم‌ترین مرکز مادی که در متون آشوری به آن اشاره شده است، ساگ‌بیت قرن هشتم و نهم و کارکشی قرن هفتم ق.م است که احتمال دارد با هگمتانه‌ی قرن ششم مطابقت داشته باشند. مادی‌ها در این دوره ساختار قبایلی داشتند و توسط حاکمان محلی با رؤسای قبایل اداره می‌شدند. بر اساس داده‌های زبان‌شناسی، از منطقه‌ی زاگرس مرکزی در غرب به طرف مناطق شرقی، اقوام ایرانی‌زبان یا مادی‌ها حضور پررنگ‌تری داشتند و از قدیم (قرن نهم ق.م) به جدید (قرن هفتم ق.م) بر تعداد این عناصر ایرانی‌زبان در غرب ایران افزوده می‌شد و آن‌ها کم‌کم جایگزین اقوام بومی می‌شدند.

منابع آشوری نشان می‌دهند که هرچند قلمرو اقوام مادی برای فعالیت‌های کشاورزی مساعد بود، دامپروری و پرورش اسب و احتمالاً کوچروی در میان مادی‌ها جایگاه برجسته‌تری داشتند. آن‌ها همچنین از موقعیت مسلط خود در سرراه‌های مهم ارتباطی

استفاده می‌کردند و واسطه‌ی انتقال مواد و تولیدات شرق به غرب می‌شدند و بخشی از منابع اقتصادی خود را از این طریق تأمین می‌کردند.

منابع

- ایمان‌پور، محمدتقی. (۱۳۸۲). «مادها و پارس‌ها، آیا پارس‌ها تحت فرمانروایی مادها بوده‌اند؟». **فصلنامه‌ی تاریخ پژوهی**. س ۵. ش ۱۷. دانشگاه فردوسی مشهد.
- ----- (۱۳۸۳). «مکان جغرافیایی پارسه‌ی داریوش». **فصلنامه‌ی مطالعات تاریخی**. ش ۵ و ۶. دانشگاه فردوسی مشهد.
- بریان، پی‌یر. (۱۳۸۵). «امپراتوری هخامنشی». ترجمه‌ی ناهید فروغان. ج ۱. تهران: قطره و فروزان.
- دیاکونف، ام. (۱۳۷۱). **تاریخ ماد**. ترجمه‌ی کریم کشاورز. چ ۲. تهران: علمی و فرهنگی.
- عبدی، کامیار. (۱۳۷۲). «وارسی دوره‌ی ماد (قسمت اول)». **مجله‌ی باستان‌شناسی و تاریخ**. س ۸. ش ۱۵. مرکز نشر دانشگاهی.
- فهیمی، حمید. (۱۳۸۲). «سکونتگاه گورخفتگان صرم، گزارشی درباره‌ی محوطه‌ی شمشیرگاه در جنوب قم». **مجله‌ی باستان‌شناسی و تاریخ**. س ۱۸. ش ۱. مرکز نشر دانشگاهی.
- کورت، آملی. (۱۳۸۶). **هخامنشیان**. چ ۵. تهران: ققنوس.
- گیرشمن، رومن. (۱۳۸۹). **سیلک کاشان**. ترجمه‌ی اصغر کریمی و آریتا همپارتیان. ج ۲. کاشان: مرسل.
- مایر، والتر. (۱۳۸۸). **گزارش لشکرکشی سارگون به اورارتو در سال ۷۱۴ ق.م**. ترجمه‌ی فرامرز نجد سمعی. تهران: گنجینه‌ی هنر.
- مجیدزاده، یوسف. (۱۳۸۹). **کاوش‌های محوطه‌ی باستانی ازبکی**. تهران: اداره‌ی کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران.
- ملازاده، کاظم. (۱۳۸۳). **باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی مانا**. رساله‌ی دکتری. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ----- (۱۳۸۸). «پادشاهی مانا؛ نگاهی به ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی مانا بر پایه‌ی آگاهی‌های باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی». **باستان پژوهی**. س ۴. ش ۷.

- (۱۳۹۰). «تاریخچه، جایابی و ساختار هگمتانه‌ی مادی». **مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**. س ۲. ش ۶. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر معماری.
- (۱۳۹۱). «پارشوا، پارسوا، پارسواش، پارسوماش و ارتباط آن با پارسی‌ها و مهاجرت آنان به داخل سرزمین ایران». **پژوهش‌های علوم تاریخی**. ش ۶. دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
- ملکزاده، مهرداد. (۱۳۷۴). «پایتخت‌های ماد». **پایتخت‌های ایران**. به کوشش محمد یوسف کیانی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- (۱۳۸۲). «بنای سنگی زارِ بلاغ، نیایشگاهی؟ از دوره‌ی ماد، گزارش بازدید و بررسی مقدماتی - پاییز ۱۳۸۱». **باستان‌شناسی و تاریخ**. س ۱۷. ش ۲. صص ۵۲-۶۴.
- وردنبورگ، هلن. (۱۳۸۸). «شفاهی بودن «مدیکوس لوگوس» هرودت یا دیداری دوباره با شاهنشاهی ماد». **تاریخ هخامنشیان**. ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر. ج ۸. تهران: توس.

- Cogan, M. (2008). "The Raging Torrent; Historical Inscription from Assyria and Babylonia Relating to Ancient Israel". *Carta Jerusalem*.
- Frame, G. (1999). "The Inscription of Sargon II at Tang-I var". *Orientalia NS 68*. Pp. 31-57.
- Galil, G. (2002). "Israelit Exiles in Media: A New Look at ND2443", *Vetus Testamentum 59*, pp. 71-79.
- Henkelman, W. (2003). "Persians, Medes and Elamites: acculturation in the Neo-Elamite period", in *Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia*, Lanfranchi, G.B and others(Eds.). Padova. pp. 181-233.
- Ikeda, Y. (1979). "Royal Cities and Fortified Cities". *Iraq (41)*. pp.75-87.
- Lanfranchi, G. (1998). "Esarhaddon, Assyria and Media". *State Archives of Assyria Bulletin 12*. pp. 99-109.
- Lanfranchi, G., M. Roaf, and R. Rollinger (Eds.) (2003). "Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia". *Padua*.
- Lanfranchi, G. (1995). "Assyrian Geograpy and Assyrian Letters, The Location of Hubuskia agine". in Liverani (Ed). *Neo-Assyrian Gography*. Pp. 127-37.
- Levine, L. D. (1972). *Two Neo-Assyrian Stele from Iran*. Toronto.
- _____ (1973). "Geographical studies in the Neo-Assyrian Zagros-I". *Iran 11*. pp. 1-27.

- _____ (1974). "Geographical studies in the Neo-Assyrian Zagros – II". *Iran*. 12. Pp. 99-124.
- Liverani, M. (1995). Contributions to the Historical geography of the Zagros in the Neo- Assyrian period, Ann Arbor, Michigan.
- _____ (2003). "The Rise and Fall of Media". in Lanfranchi, Roaf, and Rollinger (Eds.). *Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia*. Padua, pp. 1-12.
- Luckenbill, D.D. (1926-27). "Ancient Records of Assyria and Babylonia". Vol. 1. 1926. Vol. 2 1927. Chicago.
- Medvedskaya, I.N. (1999). "Media and its neighbours i: The localization of ellipi". *Iranica Antiqua*. Vol. XXXIV. pp. 54-70.
- Mollazadeh, K. (2004). "A Comprehensive View to History and Histoircal Geography of Mannea". *The Journal of Humanities of The Islamic Republic of Iran*. Vol. 11(1). pp. 81-92.
- Panaino, Antonio. (2003). "Herodotus I, 96-101: Deioces conquest of power and the foundation of sacred royalty". in *Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia*, Lanfranchi. G.B and others (Eds). Padova. Pp. 327-338.
- Parpola, S., and M. Porter (Eds.) (2001). "*The Helsinki Atlas of the Near East in the Neo-Assyrian Period*". Helsinki.
- Radner, Karen. (2003). "An Assyrian view on the Medes". *Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia*. Lanfranchi, G.B and others (Eds.). Padova. Pp.37-64.
- Radner, Karen. (1999b). "Traders in the Neo-Assyrian Period". in J.G. Dercksen (Ed). *Money and Finance in the Ancient Near East (Uitgaven van het Nederlands Historisch-Archaeologisch Instituut te Istanbul 84)*, Istanbul, 101-126.
- Rawlinson, M.A G. (1871-73). "The Seven Great Monarchies of the Ancient Eastern World". Vol. II. University of Oxford.
- Reade, J.E. (1995). "Iran in the Neo-Assyrian period". in M. Liverani (Ed.). *Neo-Assyrian Geography* (Rome). PP. 31-42.
- _____ (1979). "Hasanlu, Gilzanu and Related Consideration", *AMI*, N. 8 and 12. pp.175-182
- Tadmor, H(1994)., "*The Inscriptions of Tiglath-Pileser III,...*", Jerusalem.
- Weerdenburg, H. Sancisi. (1988). "Was There ever a Median Empire? ". *Achaemenid History III: Method and Theory, Proceeding of the London*

- 1985 Achaemenid History Workshop. Ed. A. Kuhrt, and H. Sancisi-Weerdenburg, Leiden: Nederland Instituut voor het Nabije Oosten. pp197-212.
- _____ (1994). "The Orality of Herodotus Mēdikos Logos, or: The Median Empire revisited". Achaemenid History III: Continuity and Change, Proceedings of the Last Achaemenid History Workshop, April 6-8, 1990-Ann ArborMichigan. Ed. by H. Sancisi-Weerdenburg Et al., Leiden Nederland voor Nabije Oosten, pp.39-55.
- Wiseman. (1958). "The Vassal-Treaties of Esahaddon". Iraq (20). pp.1-99.
- Zadok, R. (2002). "The Ethno-Linguistic Character of Northwestern Iran and Kurdistan in the Neo-Assyrian Period". Jerusalem.